هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و هیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

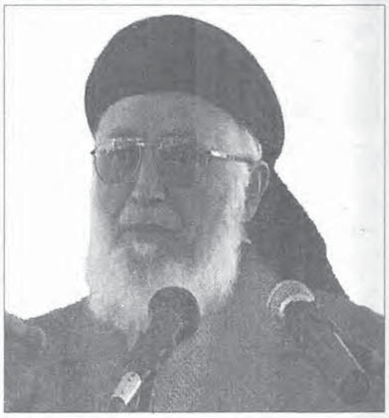
هیچکس نمی تواند رأی مردم را نا دیده بگیرد

ص۲

انتخابات ریاست جمهوری ایران و نضج مردم سالاری

ص۸

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سیزدهم ۳۰ جوزا ۱۳۸۸-۲۶جمادالثانی۱۴۳۰ – 20- June 2009



برنامهٔ انتخاباتی داکتر عبدالله، با سخنان پرشور وی درمیان هزاران تن از هوادارانش اعلام گردید

***

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در این همایش گفت:

داکتر عبدالله شایسته ترین فرد برای ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان است

***

داکتر عبدالله عبدالله:

نظام ریاستی را به پارلمانی تغییر داده و از انحصار طلبی و تمرکز گرایی جلوگیری می کنم

داکتر عبدالله عبدالله:

شما می توانید با انتخاب تان مسیر ناکامی را تغییر دهید

ص۷





عطا محمد نور والی ولایت بلخ:

داکتر عبدالله یک چهرهٔ خوش نام ولایق و تواناست



اشاره: قرار بود استاد عطا محمد نور والی مبتکر و خردمند ولایت بلخ در همایش اعلام خط مشی داکتر عبدالله در روز پنجشنبه ۲۸جوزا حضور یابد، ولی به دلیل مشغولیت هایی نتوانست چنین کند، آقای واقف حکیمی رئیس تشکیلات و سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان به توکیل والی بلخ متن آتی را به عنوان پیام ایشان قرائت کرد.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والصلاة و السلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین وعلی آله و صحبه اجمعین

رهبران جهاد، بزرگان، سیاستمداران، علما و روشنفکران، خواهران و برادران، ملت شریف و سرفراز افغانستان

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ملت مجاهد ما در راه استقلال و کرامت و حیثیت خویش و جهت رسیدن به رفاه و امنیت فداکاری ها وقربانی هایی بزرگ داده است، به ویژه در این سه دهۀ اخیر.

ادامه درص۳

مجاهـد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

هیچکس نمی تواند رأی مردم را نادیده بگیرد

قانع ساختن مردم جهت رفتن به پای صندوق های رأی به مصلحت نظام، جامعه و به خصوص نامزدان انتخابات می باشد، شرکت چشمگیرشهروندان درانتخابات، یگانه اصل مشروعیت نظام است. بنابراین وظیفه عمدهٔ دولت است که با فراهم آوری زمینه برگزاری انتخابات مردم را قانع سازد تا درانتخابات شرکت نمایند.

شرکت فعال مردم در انتخابات اصولا باید یکی از اهداف اساسی نامزدان انتخابات باشد. در هرانتخاباتی برنامه مبارزهٔ انتخاباتی یک کاندیدا، پس از قانع ساختن مردم، به شایستگی خویش، این است که مردم را به شرکت درانتخابات متمایل سازد و آن ها را به پای صندوق های رأی بیاورد.

در این زمینه رسالت آقای کرزی جهت برگزاری موفقانه انتخابات که اکنون زمام قدرت را بدست دارد و در پهلوی آن کاندید ریاست جهمهوری نیز می باشد، بیش از هرکسی دیگر سنگین تراست.

از مدت ها پیش شایعاتی در میان مردم پخش می شود که هدف آن دلسرد کردن مردم و از رأی دادن جلوگیری از شرکت فعال آن ها در انتخابات است. طبق شایعات مذکور گویا نتایج انتخابات از قبل تعیین شده وقدرت های خارجی مخصوصا امریکا تصمیم گرفته اند که چه کسی را در کرسی ریاست جمهوری نصب کنند، بنابراین رای دادن وشرکت درانتخابات یک کار بیهوده است. این شایعات مردم را نسبت به آینده بدبین ساخته و آن ها را از شرکت درانتخابات باز می دارد.

عدم شرکت چشمگیر مردم، نظام را با بحران مشروعیت روبرو ساخته و باعث بی ثباتی میگردد.

برخی فکر می کنند، هوا داران حکومت کنونی تمایل دارند، چنین شایعاتی در میان مردم پخش شود. به زعم آنان، این تصور باعث خواهد شد، مردم به کرزی رای بدهند، اگر چنین تصوری درست بشد این یک اشتباه جبران نا پذیر خواهد بود، چون وقتی مردم فکر کنند، رای آن ها ارزشی ندارد، رای نخواهند داد. هواداران حکومت برای آن رای نخواهند داد که فکر می کنند به رای آن ها نیازی نیست، چون به هر حال گویا امریکا کرزی را دوباره رئیس جمهور خواهد ساخت، اما درصورتی که آن ها گمان کنند کاندیدای مورد نظرشان یک انتخابات شفاف و رقابت جدی مواجه است، برای پیروز شدن وی در انتخابات اشتراک خواهند کرد.

نفی این شایعه و اطمینان بخشیدن به مردم برای این که رأی و ارادهٔ آن مورد احترام است وظیفهٔ دولت، نامزدان ریاست جمهوری و جامعه جهانی و سازمان ملل است.

خارجیان باید تضمین کنند که طرفدار انتخابات آزاد و شفاف هستند و قصد ندارند برخلاف خواست و اراده مردم، ریاست جمهوری را به نامزد خاصی واگذارکنند.

نادیده گرفتن اراده مردم از سوی کشورهای خارجی مخصوصا امریکا، که درافغانستان نفوذ دارند، به سود آنها نخواهدبود، به میان آمدن یک حکومت غیرمشروع و فاقد حمایت مردم، منافع مشروع آنها را نیز تهدید می کند، سیاست مزد دور سازی در افغانستان همواره نتیجه منفی در پی داشته است.

انتخابات، کاندیداها و مردم

وحید مژده

سرانجام کمپاین رسمی انتخابات ریاست جمهوری وشورا های ولایتی فرا رسید هرچند بعضی از کاندیداها قبل از فرارسیدن معیاد قانونی به کامپاین آغاز کرده بودند.

معمولا در کشورهای دیگر که در تجربهٔ دیموکراسی چند پیراهن از ما بیشتر کهنه کرده اند موجودیت فقط دو حزب سیاسی عمده موجب می گردد تا مردم همیشه در جریان نقطه نظر های این دو حزب قرار داشته باشند زیرا یکی از دو حزب در قدرت ودیگری در اپوزیسیون در داخل پارلمان همیشه نقطه نظر های همدیگر در مسایل مهم کشوری را به نقد می گیرند و به مردم فرصت قضاوت را با ملاحظه به چگونگی پیاده شدن طرح ها در عمل فراهم می کنند.

با نزدیک شدن انتخابات، مردم مثلا در انگلستان می دانند که موضع حزب محافظه کار در خصوص سیاست اقتصادی چیست و سیاست حزب کارگر چه تفاوت هائی دارد. به همینگونه در ایالات متحدهٔ امریکا مردم در کلیات یک تصور نسبتا روشن ونزدیک به واقعیت از موضع وسیاست احزاب دیموکرات و جمهوریخواه دارند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر در امریکا همه می دانستند که سیاست های جنگ طلبانهٔ حزب جمهوری خواه دیگر قابل تائید نیست و هرچند سناتور جان مک کین کاندید حزب جمهوری خواه تلاش کرد تا در مواردی با انتقاد از سیاست های بوش موضع خود را متفاوت از موضع رئیس جمهور قبلی نشان دهد اما نتوانست مردم را به حمایت از برنامه هایی خود قانع سازد. برنامهٔ سیاسی احزاب در دیموکراسی های پیشرفته تا حد زیادی کار انتخاب مردم را آسان می سازد.

اما نباید گمان کرد که مردم در این دیموکراسی ها فقط به برنامهٔ احزاب رای می دهند. شخصیت کاندید ها و محبوبیت شان در میان مردم، وضع خانوادگی و حتی شیوهٔ لباس پوشیدن نیز نقش خاص خود را در این رابطه داراست. کاندیداهای ریاست جمهوری در امریکا بیشتر از میان کسانی بر می خیزند که قبلا شانس خود را در احراز کرسی مجلس سنا آزموده و مردم به آنان اعتماد نموده اند. زمان کمپاین انتخاباتی در این کشور ها که با جوش وخروش خاصی همراه است به سخنرانی هائی اختصاص می یابد که هرکاندید تلاش می نماید تا امید های جدیدی در جامعه خلق کند و خلاهای برنامهٔ کاندید رقیب در بخش های مختلف را در ذهن مردم برملا سازد و به این ترتیب موقف کاندید طرف مقابل را در اذهان مردم زیر سوال ببرد.

ما هم در کشور خود انتخابات را پیشرو داریم که زمان کامپاین آن فرا رسیده است. نبود احزاب قدرتمند سیاسی در صحنه موجب گردیده مردم نه با سه یا چهار کاندید بلکه با دهها کاندید مواجه باشند. در مورد برخی از این کاندیدا ها گفته می شود که شایستگی لازم برای احراز چنین پست مهمی را ندارند پس به کدام دلیل این قماش افراد خود را کاندید کرده اند؟

به نظر می رسد که هشت سال شیوهٔ حکومتداری در این کشور در ذهن کسانی این تصور را بمیان آورده است که اگر حکومت داری همین باشد که در هشت سال گذشته شاهدش بودیم، ما هم توان این کار را حتی بهتر از این داریم. و کسانی هم با توجه به هشت سال شیوهٔ حکومتداری در افغانستان گمان کرده باشند که زیاد وعده دادن و کمتر به وعده وفا کردن از مشخصات یک رئیس جمهور خوب است که از همین حالا چنین وعده های بلند بالائی به مردم می دهند.

در میان این دهها کاندید فقط دوسه نفر توانسته اند خط مشی ارائه دهند که در عمل قابل تطبیق یا لااقل نزدیک به عملی شدن باشد. عدهٔ دیگر فقط وعده می دهند بدون اینکه به این مسئلهٔ مهم توجه کنند که امکان عملی شدن بسیاری از این وعده ها ناممکن است و نیز با این وعده های دور از دسترس یا کمتر عملی، نوعی عوام فریبی نیز خلق می کنند.

کاندیدی در مجلسی در جواب این



ما هم در کشور خود انتخابات را پیشرو داریم که زمان کامپاین آن فرا رسیده است. نبود احزاب قدرتمند سیاسی در صحنه موجب گردیده مردم نه با سه یا چهار کاندید بلکه با دهها کاندید مواجه باشند. در مورد برخی از این کاندیدا ها گفته می شود که شایستگی لازم برای احراز چنین پست مهمی را ندارند پس به کدام دلیل این قماش افراد خود را کاندید کرده اند؟

سوال که برای تقویت سکتور زراعت چه برنامه ای دارد فرمود که من می خواهم بروی تمام رودخانه های کشور بند اعمار نمایم که هم برق بدست آید و هم دشت های پهناور کشور آبیاری گردد و برای ملیونها مردم این کشور زمینهٔ بهتر زندگی مساعد گردد.

طرح خوبی است اما به نظر من کمی بلند پروازانه است. برای من که نمی خواهم فریب خورده بشمار آیم این طرح به اندازهٔ سایر حاضرین مجلس که سر به تائید سخنان کاندید محترم جنبانیدند مایهٔ دلگرمی نبود وبرای این احساس خود نیز دلیل داشتم.

نخست اینکه وقتی یک بند آبگردان را در کشوری مانند افغانستان می سازید در قدم اول در کاسه این بند ممکن است دهها هزار هکتار زمین زراعتی قرار گیرد که این زمین ها از خود مالک دارند معضلهٔ حقوقی با این مردم را چگونه حل می کنید؟ آیا این مردم به دولت اعتماد می کنند که زمین خود را به دولت بسپارند به این امید که چندسال بعد و پس از اکمال بند در منطقهٔ دیگری به آنها زمین داده شود؟

در مدت زمانی که این زمین ها استملاک می شود تا آنگاه که زمین های جدیدی زیر آب می آید و آمادهٔ کشت و بهره برداری می شود، سرنوشت کسانی که زمین های شان در کاسهٔ بند قرار گرفته چه خواهد شد؟ آنان وخانواده های شان از چه راهی تامین معیشت خواهند کرد؟

طرح های چنین بلند پروازانه نیازمند جلب اعتماد مردم است اما چگونه می توان به مردم اطمینان داد که زمین هائی که در آینده زیر آب خواهد شد با قباله های جعلی زمینخواران و یا ادعاهای مبنی بر علفچر تابستانی و زمستانی از جانب کوچی ها مواجه نخواهد شد؟

گرفتیم که این مشکلات به آسانی حل شد مثلا زمین ها دولتی بود و هیچ مشکل امنیتی هم از جانب مخالفین مسلح بمیان نیامد، سوال اینست که پول گزاف ساختن هر بند که سر به صدها ملیون دالر می زند از کجا تدارک خواهد شد؟ کاندید محترم می فرمود که من با خارجیان حرف زده ام و آنها در صورت پیروزی من، به من وعدهٔ هرگونه همکاری داده اند. به نظرم رسید که خرجیان هم می دانند که جناب شان امکان پیروز شدن ندارند وگرنه چنین وعده هائی را به ایشان نمی دادند.

ساختن یک بند آب حتی در کشور هائی با ظرفیت های خوب فنی بیشتر از یک برنامهٔ پنج ساله زمان می برد. در کشوری که در مدت سه ماه دو کیلومتر جاده در یکی از پر رفت وآمد ترین جاده های پایتخت، از سینمای پامیر تا آبدهٔ میوند جغل اندازی واسفالت نمی شود آیا می توان امید داشت که یک بند آبگردان متوسط در مدت زمان یک دوره ریاست جمهوری کاندید محترم به بهره برداری برسد چه رسد به چندین بند که بصورت همزمان کار روی آن صورت گیرد؟

بعضی از کاندیدا های محترم بجای اینکه با مردم صادقانه سخن بگویند وعده هائی می دهند که در کوتاه مدت عملی نیست. مثلا در همین مثال بند آبگردان، اگر رئیس جمهور آیندهٔ کشور بتواند مشکل حقوقی و کار سروی فقط یک بند آب را در دوران پنج سال ریاست جمهوری خود حل کند، دست آورد بزرگی خواهد بود.

وقتی یک کاندید می فرماید که من تعداد دانشگاه ها را در کشور آنقدر زیاد می سازم که همه فارغان لیسه ها به پوهنتون ها جذب شوند من بی اختیار از خود می پرسم که استادان این پوهنتون ها را از کجا می آورید؟ آیا فقط کمیت مهم است و یا اینکه به این مسئله هم باید توجه شود که فارغ دانشگاه با تحصیلات اکادیمیک به جامعه تقدیم گردد؟

وعده هائی چنین بزرگ که امکان عملی شدن آن اندک است فقط می تواند به کاهش تمایل مردم به سهم گیری در پروسهٔ رای دهی منجر گردد و جالب اینجاست که بسیاری از کاندیداهای محترم برای اینکه وعده های خود را عملی و خود را مهم جلوه بدهند، تظاهر به رابطهٔ نزدیک با خارجیان دارند! نمی دانم که این مسئله تا چه حد انتخابات را در ذهن مردم مشروع جلوه خواهد داد و به تشویق آنان در حاضر شدن در پروسهٔ رای دهی کمک خواهد کرد؟

عطا محمد نور والی ولایت بلخ:

داکتر عبدالله یک چهرهٔ خوش نام ولایق و تواناست

ملت افغانستان پس از فروپاشی رژیم طالبان و به وجود آمدن جو تازه سیاسی و اجتماعی در کشور و توجه جامعهٔ جهانی، به افغانستان به عنوان یکی از مهم ترین محورهای صلح وامنیت جهانی بدین باور شد که پس از این همه هم دل وهمراه به سوی امنیت و صلح و آسایش و وحدت و یکپارچگی و برادری گام خواهیم برداشت و بر بی امنیتی و جنگ و فقر و نا امیدی و تفرق و چند پارچگی چیره خواهیم شد. ما برای دست یافتن به این امیدها و آرمان های بزرگ، صادقانه به قصد خدمت گزاری به ملت دردمند و رنج کشیدهٔ افغانستان درکنار حکومت حاضر قرار گرفتیم و برای تحقق این آرمان ها مجدانه تلاش ورزیدیم. اما با تأسف فراوان به رغم حضور نیروهای نظامی حدود ۴۰ کشور جهان و کمک های مهم جامعهٔ جهانی به افغانستان، ادارهٔ کنونی به دلیل ضعف و ناتوانی های درونی نتوانست برچالش ها فایق گردد و امید به فردای بهتر را در دل ها نگه دارد، بلکه هر روز که می گذرد شاهد بی امنیتی بیشتر و فقر بیشتر وبیکاری بیشتر می باشیم.

این اوضاع و احوال می طلبد که ملت افغانستان برای ایجاد یک تحول بنیادین در زمینه های گوناگون حیات اجتماعی به پا خیزد و فصلی تازه از امیدها را به دل های یأس زده باز گرداند، انتخابات ریاست جمهوری چنین فرصتی را مهیا ساخته است تا با انتخاب و گزینش راهی جدید این مأمول



را تحقق بخشد. این مأمول زمانی تحقق می یابد که یک چهرهٔ جدید با تیمی جدید و با برنامه ها و راهکارهای جدید پا به عرصهٔ مدیریت کشور بگذارد و به این رنج ها و چالش ها پایان دهد ویا لاقل در راه کاستن آن ها گام بردارد.

من درمیان کاندیداهای ریاست جمهوری محترم دکتر عبدالله و تیم او و برنامه های او را در پاسخ گفتن به این چالش ها مناسب تر از دیگران می بینم و نیز با معرفت و شناختی که از محترم دکتر عبدالله در طی سالیان دراز جهاد و مقاومت در کنار قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود و نیز در عرصهٔ حکومتداری دارم او را یک چهرهٔ خوش نام و لایق و توانا می دانم، لهذا حمایت خویشتن را از ایشان در کارزار انتخابات ریاست جمهوری اعلام می دارم و دراین راه از هیچ نوع بذل مساعی درچهار چوب قانون دریغ نخواهم ورزید و از ملت مجاهد و سربلند افغانستان می خواهم که از داکتر عبدالله حمایت کند.

به امید سعادت مردم شریف افغانستان و پیروزی سرافرازان و خدمت گزاران راستین کشور.

و السلام علیکم

عطا محمد نور

والی ولایت بلخ

دکتر عبدالله از زبان خودش



بازگشت به وطن در سنگر جهاد:

در سال ۱۳۶۴ از راه چترال به نورستان و پنجشیر آمده، شامل جبهه پنجشیر شدم. از پاکستان تا پنجشیر، فاصله حدود ۱۱ روز را پیاده و یا سوار براسپ طی کردم تا وارد جبهه پنچشیر شدم.

قبل از آمدن به جبههٔ پنجشیر، دوستان و تعدادی از اعضای خانواده اصرار داشتند که به غرب بروم و تحصیلاتم را دررشته طب تا سطح بالاتر ادامه دهم ؛اما تصمیم خودم این شد که به صف جهاد بپیوندم و در پهلوی مجاهدین در جبههٔ پنجشیربه حیث داکتر ایفای وظیفه نمایم.

پس از ورودبه جبههٔ پنجیشر، با آمر صاحب شهید آشنا شدم. گذشته از آن قلبا به جهاد علاقه مند بودم، جهادی که تحت رهبری آمر صاحب شهید بود؛ البته پنجشیر میزاتی داشت که هم می دیدم وهم از مردم می شنیدم. عمده ترین ممیزهٔ این جبهه این بود که در پهلوی اینکه مقابل اشغال، مبارزه و جهاد صورت می گرفت به درد و غم مردم نیز پرداخته می شد.

درکنارآن تصورات وبرداشت هایی داشتم از نحوهٔ فعالیت خود در آینده، بنأ تصمیم گرفتم که به جبههٔ پنجشیر بپیوندم.

زمستان سال اول را در پنجشیر در قریه ای به نام سفید چهر سپری کرده و در آنجا بایک مقدار دوا ولوازم طبی که از کمیتهٔ سویدن با خود آورده بودم، کلینیکی باز کردم. با استفاده از همان ادویه و وسایلی که در اختیار داشتم و تجربه ای که از دوران آموزش عملی طب در رشته جراحی اندوخته بودم، به مداوای مجروحینی پرداختم که شامل مجاهدین و مردم محل بودند و همچنان اسرایی که ضرورت به طبابت می داشتند.

زمانی که در بخش طبی مشغول بودم، اوج اشغال قشون سرخ در افغانستان بود. در آن زمان بخشی از درهٔ پنجشیر نیز تحت اشغال قرار داشت و آن بخش که آزاد بود مجاهدین در آنجا حضور داشتند. ما هم یک کلینیک داشتیم و این محل همیشه تحت بمباردمان قرارداشت. شدت این بمباردمان ها، قابل مقایسه با جنگ های امروز نیست و قابل تصور هم نبود. بعضی روز ها اصلاً مجال حرکت کردن به کسی داده نمی شد و از اول تا پایان روز همه جا بمبارد می شد. فقط در روزهای سرد و روزهایی که برف باری می بود مردم از بمباران مصون می بودند، باقی هر روز و هر لحظه خطر بمباران بود و در اثراین بمباران مردم محل و گاهی مجاهدین قربانی می شدند.

برای این که توانسته باشیم، خدمات صحی بیشتری برای مردم و مجاهدین ارائه بکنیم، چند تن از مجاهدین و مردم محل را که با سواد بودند، در بخش کمک های اولیه صحی آموزش دادم که تعدادی از آنان بعدا زمینه ادامه آموزش در این رشته را در بیرون از کشور یافتند و شماری هم تجربیات دیگری کسب کردند. به گونه مثال تعدادی از آنان در حال حاضر دوا خنه دارند.

باقی دوران را با آمر صاحب بودم. در آنزمان در پنجشیر و شمال افغانستان تشکیلاتی بود به نام شورای نظار که تحت چتر جمعیت اسلامی افغانستان و زیر نظر آمر صاحب شهید فعالیت می کرد. من هم در این تشکیلات، به عنوان دستیار با آمر صاحب همکار بودم.

قسمی که قبلاً ذکر کردم در جریان جهاد در، در جبهات زیر فرمان آمر صاحب شهید، به مردم هم رسیده گی صورت می گرفت. در آن وقت می دیدم که در جبهات پنجشیر کمیته های مختلف وجود داشت: کمیتهٔ صحی، کمیتهٔ تعلیم و تربیه، کمیتهٔ بازسازی، کمیتهٔ فرهنگی و غیره. این خود یک نقطهٔ جالب بود که ما علی الرغم اینکه در اوج جنگ قرار داشتیم ،در این بخش ها نیز رسیده گی صورت می گرفت و این مساله به نظر من نقطه اعتلای سطح رهبری جهاد را نشان می داد.

از طرف دیگر، من اداره و نظام مردمی را به چشم خود می دیدم، مثلاً دریک قریه، شورایی مرکب از چند نفر وجود داشت که ترکیب آن شامل علما، افراد تحصیل کرده، فرماندهان جهادی و جوانان بود. اکثر تصامیمی که در این قریه گرفته می شد توسط همین شورا بود؛ به این معنا که از یکطرف تشکیلات اداری و از طرف دیگر، تشکیلاتی منتخب، در جبهات زیر فرمان آمر صاحب فعال بود. این مساله سبب شده بود که جبهات ما حمایت مردم را درطول سالهای بعدی با خود داشته باشد.مردم از یک طرف، همه چیز را از خود فکر می کردند و از طرف دیگرتشکیلاتی وجود داشت که به مردم خدمت و کمک می کرد.

همراه با یک مرد، یک همسنگر:

سال هایی که درکنار آمر صاحب شهید بودم، رفته رفته با شخصیت ایشان آشنایی پیدا کردم. به حیث یک مجاهد، به حیث یک مرد مسلمان، یک مجاهد بسیار دلیر، مردی که صاحب اندیشه بود و جهاد را یک مسؤولیت می دانست و در عین زمان به صلح می اندیشید و به آرامی مردم افغانستان فکر می کرد. آهسته- آهسته من با ایشان بیشتر آشنا شدم و این آشنایی با آمر صاحب بعد ها شکل همکاری، همسنگری و رفاقت را به خود گرفت و تا آخرین لحظه ادامه پیدا کرد.

در زمان جهاد، چیزی را که متوجه شدم این بود که آمر صاحب نه تنها مصروف دفاع روزمره و چاره جویی های جنگی بود ؛بلکه به آینده و آینده های دور نیز می اندیشید و هر عمل وحرکتش جوانب مختلف را در بر می گرفت. این خود، تجربه خوبی برای من بود و درواقع این مدت را برای خود یک دوره آموزش پربار می دانم.

یک نکته جالب دیگر این که هر چند شرایط بسیار مشکل بود؛ اما از آنجا که ما می دانستیم در یک مسیر درست در حرکت هستیم، زنده گی برای ما خوش آیند بود.

ادامه دارد

جستاری در پیوند با سیاست و ادبیات

عبدالقیوم ملکزاد

از زمرهٔ شخصیت های نامدار و اثرگذاری چون: محمودطرزی، صلاح الدین سلجوقی، عبدالرحمن پژواک، عبدالحکیم طبیبی، و دکتر روان فرهادی- که همواره در دیار فرهنگ و ادبیات سیرو وسفرداشتند وهم در خطهٔ سیاست- یکی هم استاد خلیل الله خلیلی به حساب می رفت که در پیوند دادن سیاست و ادبیات نقش برازنده و اساسی ایفا می کرد.

درچند مبحث پیشین، به گونهٔ گذرا نظری داشتیم در باب روابط گرم دو چراغدار سیاست و ثقافت و دوچهرهٔ ماندگار و پرافتخار:

داکتر علامه اقبال لاهوری و استاد خلیل الله خلیلی.

شخصیت هایی که با وصف سردی روابط دو همسایه، همواره سعی ورزیدند پا از حریم روابط و مناسبات و دغدغه های سیاسی - که شگرد سیاسیون در حساب آید- فراتر گذارند و بکوشند دوستی و محبت شان را نسبت به سرزمین های همدیگر و مردم هر دوکشور مسلمان تا سرحد وصف سنگ و خار و خارای آن به اثبات برسانند.

اگر از حق نگذریم علامه اقبال آهنگین تر از استاد به نواختن این سرود وسرایش پرداخته که از هر نغمه تارش می توان نوای عشق به فرد فرد ملت کشور ما را استماع کرد و شاهد دلدادگی وی به دره دره و کوه و صحرا و گل وخار و ذرات خاک ما بود.

چنانچه وقتی شهسوار ملک سخن سرزمین ما، از علامه، آن مرد متفکر اسلام و بزرگ لاهور خوانده بود که وی آسیا را پیکری از آب و گل و ملت افغان را در آن پیکر "دل" وانمود کرده و از ژرفای ضمیر اینگونه سروده:

ملتی آوارهٔ کوه و دمن
در رگ او خون شیران موج زن
زیرک و روئین تن و روشن جبین
چشم او چون جره بازان تیزبین
از حیات او حیات خاور است
طفلک ده ساله اش لشکر گر است
تا دل آزاد است آزاد است تن
ورنه کاهی در رهٔ باد است تن
آسیا یک پیکر آب و گل است
ملت افغان در آن پیکر دل است
از فساد او فساد آسیا
وز کشود او کشاد آسیا
طی نمودم باغ و راغ و دشت و در
چون صبا بگذشتم از کوه وکمر
"خیبر" از مردان حق بیگانه نیست
در دل او صد هزار افسانه ایست
سرزمینی کبک او شاهین مزاج
آهوی او گیرد از شیران خراج
در فضایش جره بازان تیز چنگ
لرزه بر تن از نهیب شان پلنگ
لیکن از بی مرکزی آشفته روز
بی نظام و ناتمام و نیم سوز
آن یکی اندرسجود این در قیام
کار وبارش چون نماز بی امام

باید که خود و مردمش را وامدار آن سخنور بی مثال می دانست که دانست و برآن شد به عنوان ادای دین و ابراز ارادت در برابر آن بزرگمرد روشن بین، در وصف "مری" - که از دره های معروف نزدیک اسلام آباد است - بسراید:

پیر خجسته پی سحرم کرد رهبری
درکوهسار خرم چون جنت "مری"
آن جا که با سپهر برین می زند به ناز
گردن فراز، سروسهی لاف همسری
آن شاخ پرشگوفه در آن قله های سبز
گویی زسیم کرده به پا آشیان، پری
مرغ خیال راه کند گم در آن چمن
گربوی گل چو خضر نیاید به رهبری
از سنگ و خاره آیینه سازد زنور مهر
هر آبشار می کند اینجا سکندری
هر کف خاک لوح دبستان فطرت است
هرگونه گونه نقش بدیعش چون بنگری
مشکین کند زمین و فضا چو شود فرود
باران دانه دانه از آن ابر عنبری
مرغ شبش به نالهٔ جانبخش دلنشین
بربام آشیانه به شور و نوا گری
این چون ترانه سرکند آن گویدش زهی
آن چون غزل سراید و این گویدش فری
آنجا که نخل های بلند صنوبرش
با شاخ کهکشان شده در قد برابری

شعرا همیشه تنها به یک بعد قضیه نگاه نمی کنند، به این معنی کار ایشان صرف وصف مناظر طبیعی و ستایش باغ وگل و دشت و دامان سرزمین ها نمی باشد، بلکه ایشان به این باور نیز هستند که همزیستی مسالمت آمیز می تواند بسا مشکلات را از فرا راه مردم به دور دارد. این پیام همواره در شعر شعرای متعهد و رسالتمند انعکاس یافته است.

استاد با ارائه این پیام ضمنا این نکته را نیزمی خواهد حالی بسازد که حساب مردم مهر جوی و ملت وصلت پوی از حساب سیاستمداران غرض ورز همواره جدا می باشد.

وی بدین ترتیب می خواهد سیاست خوب مبتنی بر تحکیم روابط در پیش گرفته شود وهم به مناسبات فرهنگی و علایق همسایگی و همکیشی و همدلی جداً ارج نهاده شود.

شعر "پیام به پاکستان" که در سال ۱۳۲۹ انشاد گردیده، دربردارندهٔ همین پیام می باشد.

پیامی که استاد از سران پاکستان می خواهد که به نقض عهد و پیمان مبادرت نورزد و می افزاید: ای پاکستان! تو هنوز نهال جوانی بیش نیستی و افغانستان کهن درخت کشن بیخ است و تو شاخ نورس باغی و جفای خزان و رنج باد پائیز را تا هنوز نکشیده یی...!

در این سروده استاد اندرزی دلپذیر به ارباب قدرت کشور نو ظهور کشور همسایه ما دارد که با هم آن را زمزمه می کنیم. خصوصاً از آن رهگذر که برخی از ابیات استاد در شرایط کنونی پاکستان همخوانی دارد. یعنی امروز به اثر نا دیده گرفتن نصایح سودمند استاد و مهر جویانی چون وی سران سیاست مدار پاکستان نتایج سیاست های غلط دیروزشان را بر می چیند:

ازاین فقیر به الحاج ناظم الدین گوی
که نقض عهد کند مرد را سبک به جهان
بحکم عقل روانیست گر جفا بیند
کهن درخت کش بیخ از نهال جوان
توشاخ نورس باغی و ناکشیده هنوز
جفای سورت سرما و رنج باد خزان
به باغبان چو زند خارجور گلخن نو
بخشم می کندش طرد از در بستان
تو راه سیل بیک مشت گل کنی مسدود
تو مهر را بدو انگشت می کنی پنهان
فروغ مهر جهان تاب کی شود خیره
زگرد معرکه نی سواری طفلان
از آن فسون که دمیدی به مردم بنگال
بر قبایل آزاد شیر گیر مخوان
بخوابگاه پلنگان به هرزه راه مجوی
کز اژدها نتوان کام دل گرفت آسان
قبایلی که بود قرن ها بخود ثابت
زجای خویش نه لغزد بمکر این و آن
به امتحان چه زنی بردهان مار انگشت
به قصد شیر پی آزمون مبند میان
مشو فریفته خط "دیورند" که نیست
به چشم اهل خرد جز علامت خسران
دریغ برتو که از خط کافری بکشی
خجسته نامهٔ اسلام را خط بطلان
دریغ از تو که خواهی به مکر و حیله و زرق
بنای وحدت اسلام را کنی ویران
مشو مقابل قومی که داده است به تو
بجای بتکده و بت و مسجد قرآن
تو بودی امی ودر دست تو نهاده کتاب
تو طفل بودی و در گوش تو دمیده اذان
مکن به طعنهٔ مردم زبان دراز که نیست
زبان هرزه سراحربهٔ جوانمردان
تو گزسعادت آزادگی نداری بهر
چه می شناسی قدر سعادت دگران
بدین وسیله مزن در دیار خویش آتش
که چون زبانه کشد خشک و تربود یکسان
مجو زملت چندین هزارساله که داشت
سران تاجگذار و شهان باج ستان
که بر فسانه و افسون توشود مفتون
بحرف پوچ تو بنیان خود کند ویران
اگر ترا نشود گفته های من باور
زجای خویش مرو این گز است واین میدان

***

هرگاه کلیات اشعار استاد خلیلی را ورق بزنیم، بیشتر به سروده هایی بر می خوریم که حاوی پیام محبت و تحکیم ارتباطات و مناسبات نیک با شخصیت ها و فرزانگان سرزمین های مختلف، از جمله ایران، پاکستان، ترکیه، ازبکستان و چندین کشور دیگر است.

استاد خلیلی و فرزانگان ایران:

مسلما بیشترین نامه های منظوم استاد عنوانی شخصیت فرهنگی کشورهای همسایه عمدتاً است ایران که دلیل آن روشن می باشد و آن اینکه هرچند از نظر استاد "همدلی ازهمزبانی بهتر است" اما نامه هایی که وی از فرزانگان ایران نظیر استاد بدیع الزمان فرزوانفر، نیاطاهری، سرمد روانشاد و محمودفرخ، استاد صبا، استادتفضیلی، رهی معیری، جلال همایی، استاد حجازی، قاسم رسا، و .... دریافت داشته و یا نامه های منظومی که به آن ها فرستاده، شخصیت های فرهنگی ایرانزمین به شعراستاد - به دلیل این که سروده هایی به فارسی- دری انشاد گردیده و درک پیام استاد به سرزمین فرهنگ پرور ایران بیشتر بوده - عشق می ورزیده اند.

به این مفهوم: که فرزانه گان ایران از رهگذری که بدان اشارت رفت، تلاش گسترده تری به خرچ می داده اند. تا بنیوشند که استاد خلیلی ایشان را چگونه مورد خطاب قرار می دهد و در تحکیم روابط بین المللی از چه شگردها وعباراتی استفاده می کند و دوستی و صمیمت هر دو ملت برادر را چگونه هر چه بیشتر تعمیق وبسط می بخشد، ملت هایی که از نظر استاد باهم همدرد اند و همدل و همکیش! [...ملت هایی که شریک شادی و انبار محنت و آلام همدیگرند.

ملت هایی که به سان دو شاخه از یک باغ سر برآورده اند و به تعبیر دیگر دوبازویی باهمند که به یک اندام متصل می باشند، یا دوتن اما روآرنده به یک قبله دل، **"دو صف ولیک به یک خانه بسته اند احرام"**

این تعابیر و توصیف ها از زبان سحر شیرین استاد شنیدنی تر است؛ توجه می کنیم:

به پیشگاه تو ای ملت خجسته سلام
زملتی که شده صبح روشنش چون شام
سلام کشور آتش گرفته محروم
سلام ملت در خون تپیده ناکام
سلام ملت افغان که می شود هر روز
به خون فجایع آن ثبت دفتر ایام
سلام ملت همدرد و همدل و همکیش
شریک شادی و انباز محنت و آلام
دوشاخه یی که بر آورده سرزیک گلشن
دو بازویی که بود متصل به یک اندام
دوتن و لیک بیک قبله روی دل کرده
دوصف ولیک بیک خانه بسته اند احرام

ابیاتی که در فوق نقل شد سروده یی بود تحت عنوان: "پیام به ملت بزرگ ایران". طوری که محتوای شعر می نمایاند، این سروده زمانی انشاد گردیده که بر فراز بام و در افغانستان به وسیله ایادی کفر آتش فتنه باریده فتنه یی که مردم کشورش رادر میان دجلهٔ خون افگنده تا در آن هرنفسی دست و پا زنند. پیام استاد این است:

از آنجایی که به فرمودهٔ امام همام شیخ اجل سعدی رحمت الله علیه

بنی آدم اعضای یکدیگرند
چو در آفرینش ز یک جوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دیگر عضوها را نماند قرار

مردم عزیز ایران بدانند که اکنون به خانه همسایه شان شعله های آتش فروزان است که **"دود آن به فراز فلک نموده مقام"**

لازمهٔ چنین اوضاع واحوال دربار چیست؟ استاد پاسخ می افشاند: **" به حکم کیش و خرد و خواب غفلت است حرام"**

اگر سعدی پیام همدردی به کلیه ابنای بشر اعم از سفید وسیاه و شیعه وسنی و تمام بنی نوع بشر می فرستد، مسلماً حق همسایه نسبت برهمسایه بیشتر است تا به یاری هم بشتابند و به زخم های همدیگر مرهم بگذارند و متجاوزین را از دست یازی به جنایات و فجایع بیشتر دست برگیرند.

متجاوزین جنایت کاری که به گفته استاد در صدد آنند تا:

زمین بماند وجمعی خدا ناشناس
جهان بماند ومستی سفیه کالانعام
بباد فتنه کند گل چراغ "شاه چراغ"
به توپ ظلم کند رخنه خوابگاه امام
دگر به مشهد قدس رضا نیاید صبح
صدای غلغل توحید از منارهٔ جام
دگرز "خواجه انصار" نشنود حرفی
مقیم کعبهٔ دل "بایزید" در بسطام
دگر به ملک "سنایی" کسی نجوید راه
دگر زدفتر "سعدی" کسی نگیرد کام
دگر زمطلع "تبریز" بر نتابد "شمس"
دگر به "قونیه" از (مولوی) نماند نام
دگر به طاق دل آدمی بگیرد عشق
دگر فروغ حقیقت شود نهان به ظلام
دگر بلند نگردد نوای آزادی
زمردمی که مسخر شوند چون دد و دام
دگر حریم حدود شرف شود پامال
عروق غیرت مرد از جهش کند آرام
دگر زنان نشناسند در نهایت امر
این پسر ز کدام است و آن پسر ز کدام
بدین فریب بشویند مغزان انسان را
ز دجله تالب جیحون زمصر تا شام
بدین و تیره کنند عقل آدمی تسخیر
بدین طریقه به فکر بشر نهند زمام
برند یکسره آثار باستانی تو
نه سر بماند و افسر نه جم بماند وجام
کفن به حیله ربایند از تن پرویز
کله به مکر ستانند از سر بهرام

تا تمدید ادامهٔ بحث خداحافظ

قدرت طلبی حکومت کنونی و انتخابات



پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

امروز در افغانستان کسانی که می خواهند همیشه در رأس قدرت باشند، یک نوع عدالت افلاتونی ذهن وروان آن ها را تسخیر نموده است. این نوع عدالت را کارل پوپر به عدالت استبدادی و توتالیتر تعبیرکرده است. تعبیر افلاطونی عدالت چنان است که هرگروه باید به حق خویش قانع باشند، یعنی حکومت گران، باید همیشه حکومت کنند و پاسداران حکومت، باید همیشه پاسدار باقی بمانند، و این شغل پاسداری را نیز به بازماندگان خویش به ارث بگذارند، به سخن دیگر درقاعده عدالت باید تغییر ایجاد نشود. وقتی نظام عادلانه افلاطون دگرگون می شود که طبقات پائین اجتماع بخواهند به قدرت برسند ویا حاکمان را که این قدرت را به طور میراثی برای خود، حفظ نموده اند، از قدرت برانداز زنده درافغانستان طوری که دیده می شود، قاعده قدرت وحاکمیت کمتر تغییریافته است. بعد از همایش بن در سال ۲۰۰۱ م مردم فکر می کردند که همه چیز به ویژه قاعدهٔ قدرت وسیاست درافغانستان از نو پی ریزی خواهد شد و حاکمان جدید، حاکمان دیروز نخواهند بود، و مردم خواهند توانست آرزوهای خویش در حاکمیت جوان و دموکراتیک را که از طریق آراء مردم به وجود آمده است، نظاره کنند.

کسانی که دیروز درقدرت بودند، با وجود نا کامی ها می خواهند این حاکمیت شکست خورده را حفظ کنند و به خاطر حفظ منافع شخصی و خانواده خویش خود را به آب و آتش اندازند. و نگذارند این میراث افلاطونی را از دست دهند.

آن ها خوب می دانند که که دیگر شیوه های حفظ قدرت تغییرکرده است به همین منظور، شخصیت های سیاسی واجتماعی را به دام می اندازند و از هر وسیله داخلی وخارجی در راه حفظ به قدرت استفاده می نمایند.

این آقایانی که ظرف هشت سال حاکمیت را دست داشتند، نتوانستند رضایت مردم مظلوم و بیچاره را که هر لحظه اوضاع بدامنیتی، فساد اداری نبود رفاه اجتماعی، جسم و روان آن ها را فشار می دهد به دست آورند. اما تجربه نشان داد که درحکومت آقای کرزی در ظرف هشت سال گذشته بسیاری از نهادهای سیاسی واجتماعی به ویژه نهادهای حقوقی و قضایی در اختیاراین حاکمیت قرار داشته و همواره این حاکمیت خواسته است، از طریق این نهادها وضعیت سیاسی کشور را به نفع این حلقه خاص حفظ نماید.

از دادگاه عالی گرفته تا آخرین قدمه های پولیس و استخبارات به مثابه یک افزار سیاسی در جهت این عدالت افلاطونی استفاده شده است.

امروز آقای کرزی نه تنها از همهٔ ظرفیت های دولتی به نفع خود استفاده می نماید، بلکه تعدادی از شخصیت های به ظاهر اجتماعی و سیاسی را درخدمت گرفته با حاتم بخشی های فراوان درحکومت آینده، تحت نام اقوام ومذهب این فلز گداختهٔ قدرت آینده را گرمتر ساخته است.

در نتیجه این سوء استفاده از قدرت مردم افغانستان، کمتر به تصامیم فیصله های ارگان های حقوقی و قضایی باوردارند، زیرا مردم این ارگان ها را فقط وسیله اعمال نفوذ حاکمان و متصدیان امور دانسته و از این که این نهاد ها درخدمت مردم قرار داشته باشد، شک وتردید دارند به رنگ نمونه وقتی میان رئیس جمهور و نهاد قانون گذار اختلافی بروز کرده است. دادگاه عالی طرف رئیس جمهور را گرفته و هدایات رئیس جمهور را در نظرگرفته است.

امروز آقای کرزی نه تنها از همهٔ ظرفیت های دولتی به نفع خود استفاده می نماید، بلکه تعدادی از شخصیت های به ظاهر اجتماعی و سیاسی را درخدمت گرفته با حاتم بخشی های فراوان درحکومت آینده، تحت نام اقوام ومذهب این فلز گداختهٔ قدرت آینده را گرمتر ساخته است.

این گونه بازی های سیاسی بدون شک به نفع استقرار صلح و ثبات ملی درکشور نخواهد بود و این حرکت های ناشیانه یک بار دیگرکشور را به سوی تنش های قومی وزبانی سوق خواهد داد.

به جای ایجادیک روند سالم سیاسی درکشور با معامله گری و تقسیم قدرت و وعده های میان تهی این حاکمیت می خواهد یک بار دیگر این تجربه ناکام را درکشور تکرار نمایند، حس قدرت طلبی حافظه این حاکمان تشنه به قدرت را ضعیف ساخته وتاجایی که آن ها گذشته را به فراموشی سپرده اند. مردم به یاد دارند که واژه های تفنگ سالار، جنگ سالار، جنایتکار جنگی، ناقضین حقوق بشر و ده ها دشنام دیگر از جمله واژه های اند که در اوایل حکومت کرزی، نثار مجاهدین و فرماندهان آن می گردید.

امروز به خاطر حفظ قدرت وحاکمیت این شعار ها تعویض یافته و به ترفندهای جدید رویدست گرفته شده است و به قول آقای کرزی به منظور تامین وحدت ملی و شراکت قومی از برخی مجاهدان تفنگ سالار دیروز امروز استفاده نماید.

آقای کرزی حتا از حقوق حقه خدا داد مردم استفاده سیاسی نموده و وعده می دهد که برای این اقوام چنین وچنان خواهد کرد.

آقای کرزی با هر قیمتی می خواهد این حکومت بی کفایت و مشهور به فساد، اختلاس و قاچاق خود را ادامه دهد. اما این دور دوم انتخابات در شرایط و اوضاعی برگزار میگردد که اعتماد مردم نسبت به دولت کاملا از بین رفته است. نفاق افگنی و بدبینی های زبانی وقومی و مذهبی شدت بیشتر کسب نموده است.

با استفاده از محورهای قومی، زبانی، مذهبی، نژادی خود را در بدنه قدرت به هدف بدست آوردن ثروت و شهرت جا زده اند.

تضادهای قومی، که میراث حکومت های توتالیتر، تمامیت خواه، و بی کفایت در گذشته های کشور بوده است، درظرف سال های حاکمیت کرزی و حامیان آن به یک سیاست عادی تبدیل شده است.

صد زخم خورده ام به دل از دست ناکسان

ع – م

بحثی به ادامه گذشته در باب ادب حماسی

انقلاب قرشوسی دیب عالم کیشنی اولدریب
یخشی لارغه بولدی بولکون گورو زندان، اولکه میر

ترجمه:

نام انقلاب را خلقی گذاشته، مردم زیادی را از تیغ گذشتاندند. امروز وطن برای انسان های خوب بیشتر از یک زندان یا گور چیز دیگری نیست.

دشت وصحرا لرقزیل بولغان شهید لرقانی دن
تاغ و تاش لاری بولو بال مثل مرجان اولکه میز

ترجمه:

دشت و صحرای وطن شد سرخ با خون شهید
سنگ سنگ کوهسارش رنگ مرجانی گرفت.

اولکه داشلر اولکه میز دور، دهر ماتم خانه سی
بومصیبتدین یورک، بغری یولوب قال اولکه میز

ترجمه:

هم میهنان! دیار ما به ماتم خانه دهر می ماند. از مصیبت (اقتدار کمونیزم وجنایات آن ها) قلب و جگر زادبوم ما خونین است.

شاعر-قسمی که خواندیم- تا این قسمت شعر، از فجایع دشمنان وطن و مردم، پرده برداشته و وضعیت دردبار سرزمین و ساکنین آن را، به تصویرکشیده. اما وی اکنون مردم کشورش را به تاریخ گذشته های افتخارآفرین اسلافش ارجاع می دارد. پیام او قیام است، قیام علیه نظام یا راه اندازی جهاد در راه خدا به ضد رژیم یا نظامی که درهرگام در برابر مسلمانان و دوستداران وطن دام های گونه گون نیرنگ گسترده است. دام های فتنه و مرگ وبلا مصایبی جانفرسا ودرد افزا!

به ادامهٔ شعر توجه کنیم:

دین یولیغه اولکه داشلر ایلابان طرفه جهاد
قهرمان لیک یولیغه مشهور دوران اولکه میز

ترجمه:

در راه اعادهٔ حیثیت و شکوه دین(اسلام) به جهاد باید توسل جست. چنانچه فرزندان میهن ما در راه جهاد قهرمانی ها، شهرت نیک و به سزایی را از خود (درتاریخ) به جا گذاشته اند.

جهدایتنگ و قان توکینگ تا اولکه ایلدین کیتماسین
بیزغه ایردی اعتبار و یخشی دوران اولکه میز

ترجمه:

جهد کنید و از بذل خون دریغ نورزید تا کشور از کف نرود، کشور که (همواره) باعث اعتبار مان بود و عزت ما درگرو آن قرار داشت.

مولینا جوهری در بیت بعد، ضمن پیام وحدت و یکدلی، رمز موفقیت را به همبستگی اهل ایمان میهنش جستجو می کند و متعاقب آن وانمودمی سازد، آنانی که ناموس وطن را به بازی گرفتند و تن به ذلت و بردگی و غلامی سپردند نمی توانند خود را به هیچ یکی از ملیت های با هم برادر افغانستان منسوب بسازند:

اوزبک و ترکمن، هزاره، تاجیک و پشتون بولوب
برله شنیک ایلانک جهاد ای اهل ایمان اولکه میز

ترجمه: ازبک و ترکمن و هزاره و تاجیک و پشتون همه هماهنگ ومتحد شوید و به کاروان جهاد در راه خدا بپیوندید.

اولکه ناموسینی ساتی پرچمی و خلقی لر
کیتی ایلدین وا دریغا مفت وارزان اولکه میز

ترجمه:

ناموس وطن به وسیله خلقی ها و پرچمی ها به معرض فروش گذاشته شد، صدا فسوس که دیار محبوب ما رایگان از کف رفت.

تاریخ انشاد شعرفوق دقیقاً معلوم نیست. هرگاه قبل از تجاوز روس ها باشد، طوری می نماید که شاعر کوشیده است تا احساسات دینی و ملی مردم را علیه نظام کمونیستی یا عناصر وابسته به بلوک شرق بیشتر برانگیخته شود.

با وجودی که کمونست های افغانستان- چنانچه سرشت ذلت پسند ونوکر منش آنان اقتضا می کند- دارای هیچگونه اراده وتصمیمی ولو درعهد اقتدار شان، نبوده اند لذا نمی توان تردید داشت که با وقوع کودتا یا فاجعه هفتم ثور ۱۳۵۷ همه می گفتند که حالا زمام کشور به دست روس ها افتاده است. مولوی جوهری نیز همین تاثیر رادر شعر خود تبارز داده و نمی توان گفت که وی در ادعایش رهٔ اغراق و زیاده گویی پیموده است.

هرگاه شعر، بعد از آمدن قوای روسی سروده شده باشد که احتمال آن با قرائت بیت دوم قوی تر معلوم می شود- می توان نگرانی شاعر را وارد تر انگاشت. **ادامه درص ۶**

انتخابات و انتخاب اصلح

در ایـن روز هـا کـه کـار زار تبلیغـاتی نـامزدان ریاسـت جمهـوری آغـاز و کاندیـدان رسـماً وارد ایـن معرکـه شـدند، ذهنیـت احـاد ملـت متوجـه انتخابـات بـوده و بـه فکرآنند کـه چـه کـسی را بـرای ریاسـت جمهوری برگزینند؟

البته همان گونه که همه می دانند یکی از ویژگی های بارزعصرما همانـا، متجلـی سـاختن نقـش اراده ملت ها در تعیین سرنوشت شان می باشد که بـدون شـک انتخابات یگانه راه بـرای تبلـور اراده ملـی بـه حـساب می آید.

اکنـون هرکـسی و هرفـردی بـه این فکر خواهد بود که چه کسی را بایـد بـرای تمثیـل اراده ملـت و تحقـق اهـداف ملـی ودفـاع از منـافع ملـت برگزید؟

ملـت درمرحلـه فعلـی گزینـه های رادر پیش رو دارد که باید یکی از آن ها را برگزینند.

۱- تائید و انتخاب رهبری

۲- انتخاب رهبر جدید

تائیـد و انتخـاب رهبـری ناکـام کنونی از طرف ملـت بـه گفتـه یکـی از نـامزدان ریاسـت جمهـوری " حرکـت در تـاریکی اسـت" و بایـد مـردم در انتخاب خـویش دقیـق باشـند و ضـرب المثـل مـشهور را از یـاد نبرنـد کـه "آزموده را آزمودن خطاست"

آری! "آزمـوده را آزمـودن خطاسـت" انتخـاب دوبـاره رهبـری کنونی بیانگر آن خواهد بود که ملت از وضـع ناهنجـار فعلـی راضـی بـوده و بـراین وضـع فلاکتبـار مهـر تاییـد زده است.

بـدون شـک چنـین تاییـدی از وضـع سـوال برانگیـز کنـونی، آگـاهی وبیـداری ملـت و مـسؤولیت شناسـی او را در برابـر وضـع اسـفبار فعلـی در اذهـان فرزنـدان شـان و دیگـران مـورد سوال قرار خواهد داد.

گذشـته از آن، انتخـاب رهبـری ناکـام گذشـته کـه ضـربه جبـران ناپـذیری را بـر پیکـر اعتمـاد ملـی و وحـدت ملـی مـا وارد کـرده اسـت، نادیـده گـرفتن همـان فرمـوده پیـامبر گرامـی ماسـت کـه گفتـه اسـت "مـرد مـؤمن از یـک سـوراخ دوبـار گزیـده و آمـاج نـیش قـرار نمـی گیـرد" و بـه اسـتناد آن بیـت شـاد روان اسـتاد خلیلـی "مـومن نبـود هرآنکـه مـارش- کزیک بن غار زد دوبارش"



گذشته از آن، انتخاب رهبری ناکام گذشته که ضربه جبران ناپذیری را بر پیکر اعتماد ملی و وحدت ملی ما وارد کرده است، نادیده گرفتن همان فرموده پیامبر گرامی ماست که گفته است "مرد مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده و آماج نیش قرار نمی گیرد" و به استناد آن بیت شاد روان استاد خلیلی "مومن نبود هر آنکه مارش- کزیک بن غار زد دوبارش

حال کـه رهبـری ناکـام گذشـته مورد سوال است و مـردم مـا ادامـه کـار او را حرکـت در تـاریکی تلقـی مـی کننـد، انتخـاب دیگـران بـرای رهبـری آینـده مـردم کـدام شـخص و چـه برنامه خواهدبود؟

یقینـا زمـانی ناکـامی رهبـری یی و یـا دسـتگاهی عنـوان مـی شـود، انتخاب جدیـد نبایـد انتخـاب ناآگاهانـه باشد.

انتخـاب آگاهانـه و انتخـاب فـرد شایـسته و اصـلح بـرای رهبـری آینـده کشور نباید بـر بنیادهـای ملـت کـشانه قـومی، قبیلـوی وگروهـی و زبـانی و سمتی و مذهبی صورت پذیرد.

انتخـاب رهبـری در سـطح دولـت و ریاسـت جمهـوری افـزون بـراین کـه بایـد بـر اصـل اصـلحیت و شایـستگی شخـصی صـورت پـذیرد، توجه به برنامـه کـاری آن نیـز بایـد در اولویـت هـای شـخص انتخـاب کننـده قرار داشته باشد.

همـین برنامـه کـاری اسـت کـه موجب ایجـاد تحـول و تغییـردر عرصـه های مختلـف زنـدگی ملـت مـا خواهـد شد که سخت نیازمند آن است.

درشـرایط کنـونی کـشور مـا و بـا در نظرداشـت پیـشینه اسـتبداد سیاسی توسـط رژیـم هـای خـود کامـه درشکل شاهی هـا و جمهـوری هـای نام نهـاد مطلـق العنـان، دراین کـشور عمده تـرین عامـل بـی اعتمـادی و یـا بحـران اعتمـاد در میـان ملـت و دولـت همانا حاکمیت نظام ریاستی است.

نظامی که یـک فـرد بـا اسـتفاده از صـلاحیت هـای داده شـده، بـر رأی و فیصله ملـت و نماینـدگان آن پـا مـی گـذارد و بـرایش اصـل تفکیـک قـواء و توزیع قدرت کـه از مهمتـرین شاخـصه هـای یـک نظـام مـردم سـالار و دموکراتیـک بـه حـساب مـی رود معنای ندارد.

شـعار تغییـر وبرگردانـدن قـدرت بـه ملـت و احتـرام بـه رای نماینـدگان مـردم، یگانـه نیـاز دوران کنـونی در انتخابات جدید به شمار می رود.

بـا انتخـاب شـخص اصـلح و برنامـه تحـول زا و تغییـر آور در وضـع اسفبار کنونی، بخشی از رسالت ملـی مـا است که بایـد آن را صـدقانه ادا کـرد کـه درغیـرآن ضـرب المثـل معـروف مـا "همـان آش وهمـان کاسـه، حـاکم خواهـدبود کـه از درد جانکـاه آن مـردم در آتـش تنـور خودکـامگی ریاسـتی درشـکل جمهـوری آن مـی سـوزند و گـوش شـنوای هـم بـرای فریـاد آن هـا نخواهد بود.

له لاهور وروسته، د سوات کسات په انټرکانټیننټل کې

اخندزاده

په پاکستان کې د دولت مخالفو طالبانو او اوربکو د دغه هیواد له دولت سره د پټ پټوني جګړې لړۍ لادوام لري ځکه که څه هم د دغه هیواد د امنیتي ځواکونه ادعاګانې کوي چې د سرحد ایالت دسوات او مینګورې په سیمو کې د ځومیاشتو راهیسې راولاړ شوی جګړې یې غلې کړیدي اوله ځوارلس سووڅخه زیاتو طالبانو په وژلو سره نور له سیمې څخه طالبان او اوربکي په شاشوي دي. خو داسې برېښي چې پدغو سیموکې یولوي ناورین رامینځته شوي دی. ولې چې له یوې خوا دڅه کم دریو میلیونو په شاوخوا کې بې ځایه شوي سواتیان خپلو هغو سیمو ته نه ځي چې داوړي په موسم کې به ورته د پاکستان د نوروسیمو خلک د سیاحت لپاره ورتلل اونن دجګړو دلمبو له وېرې دمردان او صوابۍ په ګرمو ډاګونوکې شپې تیروي. او له بلې خوا په همدې سیمې کې څو ورځې وړاندې په یو جومات کې دچاودنې پرمهال دسیمې د خلکو د وژل کېدو د انتقام په توګه د قبایلي لښکر مینځته راتګ په داګه کوي چې سیمه لاتراوسه ناکراره او له امنیت څخه یې برخې ده او ښایې د پایلې په توګه یې دغه جګړه نوروسیمو ته هم غځېږي چې د هغې څرګند ثبوت دا دي چې د پاکستاني پوځ ویاند اطهر عباس د چهارشنبې په ورځ هم رسینو ته په ډاګه کړه چې په خپلو څلیرویشتو ساعتونو کې یې په چارباغ، کالام، بشام اوسوات کې درویشت طالبان وژلي دي که څه هم نه دې سره یې دا ادعاء هم کړیده چې دسوات طالبانو د مشر مولوي فضل الله یو تن استاد ولي الله کابل ګرامي له خپلو پنځلسو تنوسره حکومت ته تسلیم شوی دی.



خویوه اونۍ مخکې په وزیرستان کې د یونظامي ښوونځي د څلورسوو زده کوونکو د اوربکو لخوا یرغمالکول چې بیا دقومي مشرانو په مداخلت سره راخلاص کړای شو دا په ډاګه کوي چې د پاکستان دولت یواځې په سوات کې نه بلکې په نورو ایجینسیو کې هم دګواښونوسره مخ دي چې له همدې امله یې د چهارشنبې په ورځ هم پدغه سیمه کې ځای پرځای بمباري کړي او داوربکو او دولتي ځواکونو ترمینځه نښتې شویدي چې د اتوتنو طالبانو د وژلو ادعا یې هم کړیده او پدغه سیمه کې هم میشت قومونه دطالبانو او دولت د دواړو لوریو لخوا سخت چلنیج سره مخ دي ځکه میشت قومونو که څه هم پدې سیمه کې د ضیاء الدین، طوفان او مومن په نومونو خلکو په مشرۍ کې د یو قومي لښکر د جوړیدو تابیانیولې ده، نشي کولای له سیمې څخه طالبان وباسي یا د حکومت غوښتنې عملي کړي.

دوه اونۍ وړاندې په قصه خوانۍ بازارکې د سینما په مخ کې د درنې چاودنې په نتیجه کې د لسو څخه زیاتو ځاني تلفاتو او د وزیرستان په سیمه کې د زده کوونکو له یرغمال کولو سره سهم په تیره اونۍ کې په تول پیښور کې او په ځانګړې توګه د قصه خوانۍ په بازارکې د یوې سختې ویرې فضا کمه وه او د ډېرې ښاري سیمې د نوروچاودنو له ویرې یندې وې چې له امله یې د خلکو هغه ګرمه ګرمې چې د قصه خوانۍ او خیبر بازار ځانګرتیا دوه له څو اونیو راهیسې ختمه شوې ده او د سه شنبې په ورځ د آرمي ستدیوم او فردوس ترمینځه او ښارپه مینځ کې د ولایتي اسمبلۍ او هائیکورټ مخامخ د انټرکانټیننټل هوټل هم د اوربکو ټارګیټ وګرځیده چې دپېښور دغه له ټولو ستر هوټل چې همیش به پکې بهرنیان میلمانه وو د ووژ موټرولـه ورننوتلو سره سم دیوې داسې درنې چودنې شاهد شو چې پکې پنځلس تنه مړه او له اویا تنو زیات خلک ټپیان شویدي او دهوټل ودانۍ ته یې پوره زیان رسولی دی او هم لاتراوسه له هغې کندې څخه د مړو دراویستلو هڅې روانې دي چې انفجارپه نتیجه کې د هوټل دموټرونو دودریدو په ځای کې مینځ ته راغلې ده چې له دې سره یو ځل بیا د پېښور د خلکو ویره نوره هم زیاته شویده. او داسې انګیرل کیږي چې په سوات کې د طالبانو د وژلو بل کسات وو چې له دې څخه یوه اونۍ مخکې همدې ته ورته پیښه په لاهور کې هم مینځ ته راغلې وه او په هغه دانه چاودنه کې هم دڅلیرویشتو په شاوخوا کې خلک وژل شوی وو. بلې خواته د افغانستان سره په سرحد کې د بنون په سیمه کې هم ویلې کیږي، چې هلته د شپږ سوو اوربکو پسې پاکستاني پوځ درنې بمباري کړیدي او هلته هم جګړه روانه ده چې داسې برېښي چې پاکستاني دولت او پوځ اوس د ډانګ او پړانګ ترمینځه قرار نیولی دي او نن دخپلو هغو کړنوسزا وینې چې د پخوانې شوروي اتحاد پرخلاف د جهاد له کامیابۍ وروسته یې زمونږ په هیوادکې داور بمونه کړل او دافغان ولس له کړاونو څخه یې خوند اخسته، خوربښتایې ویلې دي چې مکوه په چا چې وبه شي پرتا، مونږ هیڅکله د پاکستاني ولس په ماتم او کړاونو نه خوښیږو ځکه زمونږ مسلمانان ورونه دي خو دپاکستاني چارواکو استخباراتي سازمان له ناکردیو څخه دپاکستان ولس ته پیښه شوې ده چې دامریکا د خوشحالولو او ډالرو لاسته راوړلو لپاره نن دا قیمت ورکوي او زمونږ ګاونډي ولس یې داور په بټیوکې ګرځولی دی او نن د دوی د ظالمانه او خاینانه پالیسیو لامله په سیمه کې غومل جوړه شوې دي اوئن د دریچارد هالبروک د باورلاسته راوړلو لپاره- څو خپلې زړې ناکردی پټې کړې. خپل ولس ته یې ګرمې راولاړې کړي دي.



برنامهٔ انتخاباتی داکتر عبدالله، با سخنان پرشور وی درمیان هزاران تن از هوادارانش اعلام گردید

گزارش از: نذرالله عنایت

روزپنجشنبه ۲۸ جوزای سال روان همایشی بزرگی از سوی ستاد انتخاباتی داکترعبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری، در کابل برگزار گردید.

در این همایش داکتر عبدالله درمیان هزاران تن از هوادارانش که شخصیت های جهادی، رهبران سیاسی، محصلان دانشجویان دانشگاه ها، شخصیت های مردمی را شامل می شد، خط مشی انتخاباتی اش را اعلام کرد.

سخنرانی داکترعبدالله شامل برنامهٔ جامعی، به عنوان خط مشی کاری اش تدوین شده بود که دربرگیرندهٔ تمام ابعاد زندگی مردم می گردید.



نور الحق علومی نمایندهٔ قندهار درولسی جرگه:

ضعف دولت کرزی از آن جا نمایان شد که درمدت هشت سال نتوانست جامعه جهانی را قناعت بدهد تا دیگرخانه های مردم را ویران نکند وفرزندان شان را بی موجب نکشد. امروزتصمیم گرفته ایم تا فرصت های ازدست رفته رادوباره احیاء نماییم.

در عرصهٔ اداری:

داکترعبدالله با انتقاد از وضع موجود، و فساد درحکومت ادارهٔ فعلی را ناکارا ترین حکومت های افغانستان دانسته، شگاف عمیق کنونی بین دولت و ملت را ناشی خود کامگی و فساد موجود در سیستم اداری دانست.

در عرصهٔ سیاسی:

آقای عبدالله عبدالله عامل این همه خود کامگی ها را در نظام ریاستی وابسته دانست که با تمرکزقدرت فرایند آن چنانی را به بارآورده است. وی گفت: پس از پیروزی اش در انتخابات، نظام ریاستی را به پارلمانی تغییر داده از انحصار طلبی و تمرکز قدرت جلوگیری خواهد کرد.

در عرصهٔ روابط خارجی:

وی در بخش دیگری از صحبت هایش، درخصوص روابط افغانستان با دیگران اضافه کرد. افغانستان در نقطهٔ جغرافیایی قرار گرفته که به شدت از حوادث همسایگان تاثیر پذیر است، بناءً ما اجازه نخواهیم داد که خاک افغانستان به عنوان سکوی حمله بر همسایگان ما قرار گرفته و نیز از همسایگان خود توقع داریم که برخورد همسانی با کشور ما داشته باشند. عبدالله روابط نیک با همسایگان را یکی از راه های بیرون رفت از مشکل های کنونی دانست.

نامزد ریاست جمهوری مورد حمایت جبهه ملی افغانستان با سپاس گذاری از جامعه ی جهانی برای تامین ثبات و امنیت و تربیت اردش و پولیس ملی تاکید کرد که با همکاری و هماهنگی میان دولت آینده و جامعه ی جهانی به زودی روزی فرا رسد که ملت افغانستان به پای خود ایستاده و توان دفاع از آب و خاک خود را داشته باشند .

درعرصهٔ اقتصادی:

داکتر عبدالله در بخش اقتصادی، با تاکید بر توجه بیشتر به زراعت را یکی از اهداف دولت خود عنوان کرد . او گفت که افغانستان کشور زراعتی است و در برنامه ی دولت او حمایت پایدار از دهقانان و صنایع عنعنوی کشور دراولویت قرار خواهد داشت

در عرصهٔ اجتماعی :

زنان و جوانان محورهای دیگر صحبت داکتر عبدالله در این محفل با شکوه بود. او از زنان به عنوان قشری یاد کرد که در مدت هفت سال با آنان برخورد ابزاری صورت گرفته است. وی گفت که در صدد بازیافتن جایگاه اصلی زنان افغان به عنوان نیروهای موثر در تمام ابعاد حیات اجتماعی است.

از دیدگاه داکتر عبدالله، جوانان منبع انرژی پایان ناپذیری است که اگر به صورت شایسته از آن استفاده گردد، پوتانسیل عظیمی را برای بازسازی و بهبود وضع زندگی مردم به وجود می آورد. او وعده نمود که درصورت پیروزی وزارتی را درامورجوانان درچوکات دولت احیا خواهد نمود.

درعرصه فرهنگی:

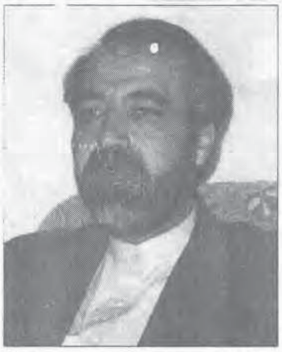
داکتر عبدالله دین مداری و پاسداری از ارزش های دینی را یکی از اهداف اصلی دولت خود عنوان کرد.

او گفت که در بخش فرهنگی اولویت های دولت او گسترش، تعمیق و غنی سازی ارزش های دینی است که در جامعه ی ما وجود دارد و مردم ما با این ارزش ها زندگی می کنند .

پایگاه قدرت:

آقای عبدالله ازتمایلش به تغییر سخن گفته خطاب به مردم افزود: شما با مشارکت تان درروند انتخابات می توانید مسیرناکامی را تغییر بدهید و زمینه های تحول را فراهم سازید.

آقای عبدالله در ادامه اظهار داشت؛ دریک کلام هدف ما بازگرداندن قدرت به مردم است. داکترعبدالله اضافه کرد: ما قدرت سیاسی را نماد اراده مردم ومردم را منبع الهام واقتداردولت ودولت را تمثیل کننده اراده



داکتر سید علی اکبر کاظمی رئیس حزب اقتدار ملی:

ملت ما امروزبه چالش های متعددی روبروست، عمده ترین آن بحران بی اعتمادی دربین مردم افغانستان است. اداره کرزی عمداً به این مسایل دامن می زند وروند ملت ودولت سازی را تخریب نموده است.

ملت می دانیم.

داکترعبدالله درپایان صحبتهایش درحمایت ازمجاهدین گفت، دیگر به کسی اجازه نخواهیم داد تا لقب جنگسالار را به آنها بدهد. وی تأکید کرد در صورتی که مردم به وی رأی بدهند قدرت واقعی را به آنها برمی گرداند.

استاد برهان الدین ربانی رهبرجهاد و مقاومت در این همایش طی سخنانی کوتاهی گفت: زعامت های سیاسی در سرنوشت ملت ها اثرگذاری برجسته دارند، در این میان زعمای آگاه با اراده و مصمم هستند که ملت ها را به سوی سرفرازی و خوشبختی رهبری می کنند.

اما زعمای ناتوان و رهبران بی اراده که درد و رنج ملت را درک نمی کنند سرنوشت ملت ها را به پرتگاه سقوط و نابودی سوق می دهند.

استاد نظام کنونی را یک نظام ناکام ونا توان ارزیابی نموده و افزود: مسؤولیت همه ماست تا در تعیین سرنوشت خود هوشیارانه و مسؤولانه گام برداریم.

استاد تاکیدکرد که ادامهٔ این وضع پیامد جز محرومیت و بی چارگی ها مردم چیزی دیگری نخواهد داشت.

استاد از داکتر عبدالله به عنوان شخصیت نیک نام، آگاه و با تجربه یاد کرد و از مردم خواست به وی رأی بدهند تا به آرزوها و درد های ملت مرهم گذاشته و تغییر واقعی را در زندگی مردم ایجادکند.

استاد اظهار امیدواری کرد با انتخاب داکتر عبدالله که طی سه دهه دفاع درصحنه های گرم جهاد، ومقاومت همدوش قهرمان ملی درسنگرحضورداشت، روح تمام شهدای افغانستان به ویژه شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی شاد می شود.

نورالحق علومی از اعضای رهبری جبهه ملی، آغاز مبارزات انتخاباتی داکترعبدالله را سرآغازمبارزه حق برباطل، سعادت مردم و حاکمیت قانون وعدالت سیاسی، واجتماعی واقتصادی دانست، وی افزود هشت سال پیش مردم به امید این که درکشورتحول مثبت به میان بیاید به کرزی رأی دادند، چیزی که متأسفانه نه تنها تحقق نیافت، بلکه باگذشت هرروز بدتر از گذشته شد، قانون زیرپا شد، حقوق مردم تلف گردید.

رشوه ستانی و فساد و بی کاری افزایش یافت وکسانی که به این اداره اعتماد کرده بودند به حاشیه رانده شدند و ده ها تهمت دیگر به آدرس آن ها ازسوی حاکمیت افزوده شد."بناً آزموده را آزمودند خطاست"

آقای علومی افزود: ضعف دولت کرزی ازآن جا نمایان شد که درمدت هشت سال نتوانست جامعه جهانی را قناعت بدهد تا دیگرخانه های مردم را ویران نکنند وفرزندان شان را بی موجب نکشند. امروزتصمیم گرفته ایم تا فرصت های ازدست رفته را دوباره احیاء نموده کشوررا با اراده خداوند وکمک مردم افغانستان از وضعیت بحرانی نجات دهیم.

دوکتورسیدعلی کاظمی برادرشهید مصطفی کاظمی رهبرحزب اقتدارملی وعضو جبهه ملی از سخنرانان دیگر این همایش بود، موصوف ضمن انتقاد از وضعیت کنونی، اظهار داشت: ملت ما امروزبه چالش های متعددی روبروست، عمده ترین آن بحران بی اعتمادی دربین مردم افغانستان است. وی اداره کرزی را متهم کرد که عمداً به این مسایل دامن می زند وروند ملت ودولت سازی را تخریب نموده است.

آقای کاظمی از داکتر عبدالله خواست تا مساله دولت سازی و ملت سازی را درصدربرنامه کاری اش را قراربدهد.

حجت الاسلام والمسلمین آقای هادی "هادی" از رهبران اهل تشیع درخطاب به مردم گفت: این شما هستید که شایسته سالاری می کنید واین شما هستید که فرعون سازی می کنید.حالا شما اختیاردارید کدام یک را انتخاب کنید.

خانم فاطمه جاوید نماینده زنان، که دراین همایش صحبت می کرد گفت: بعد ازبه میان آمدن اداره جدید به رهبری کرزی، سیستم اداره ودولت داری به اساس تبعیض وحق تلفی های که حاکمیت اعمال کرد ازهم پاشید و بروکراسی وفساد درهمه جا گسترده گردید. به باور وی روند دولت سازی درکشور تبعیض آمیز ومغرضانه بوده مردم را به بهانه های مختلف کنارمی زنند.

بانو جاوید افزود، کشوربه یک



حجت الاسلام سید هادی هادی:

این شما هستید که شایسته سالاری می کنید واین شما هستید که فرعون سازی می کنید.حالا شما اختیار دارید کدام یک را انتخاب کنید.

اداره سالم نیازدارد واین اداره می تواند درفرایند انتخابات شفاف به میان بیاید.

دراین همایش پیام استاد عطا محمد نور والی ولایت بلخ توسط واقف حکیمی سخنگوورئیس تشکیلات جمعیت اسلامی افغانستان قرائت گردید که درآن استاد عطاء محمدنور، حمایت خویش را ازکاندیداتوری دکتور عبدالله اعلام کرده بود.

دراین پیام ازویژه گی های شخصیت داکترعبدالله وشایستگی او برای پست ریاست جمهوری تذکررفته برای بیرون رفت ازوضع نابسامان موجودحضور وی را درقدرت سیاسی آینده کشور مناسب دانسته است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سیزدهم ۳۰ جوزا ۱۳۸۸–۲۶جمادالثانی۱۴۳۰ – 20- June 2009

به جای این همه عکس برنامه های تان را نشر کنید

مهدی

به روز سه شنبه هفته گذشته مبارزات انتخاباتی آغاز گردید. در روز اول این مبارزا ت جاده ها و دیوار های شهر کابل پر از عکس های نامزدان انتخابات و معاونان آنها گردیده، در میان نامزدان، عکس های رئیس جمهور کرزی و معاونان آن مارشال فهیم و خلیلی بیشتر از دیگران است، پس از وی عکسهای اشرف غنی احمد زی و داکتر عبدالله قرار دارد.

قابل یاد آوری است که تا هنوز به جز عکس، اشکال دیگر تبلیغات و مبارزات انتخاباتی دیده نمی شود؛ البته شماری از نامزدان برخی از شیوه های معمول و غیر معمول مبارزات انتخاباتی را مدتها قبل آغاز نموده اند. حامد کرزی به منظور جلب مؤتلفین و هواداران بیشتر، با دادن پول و وعده کرسی ها و مقامات دولت، قبلاً تلاشهای گسترده را انجام داده است که در نتیجه این تلاشها مارشال فهیم، محمد محقق، جنرال دوستم و شماری دیگر از قومندانان و متنفذین را شامل تیم انتخاباتی خویش نموده است، همچنان آقای کرزی به والی ها و ولسوالها و سایر مسؤلین دولت و ظیفه سپر ده است تا به نفع او کمپاین کنند.

این نوع مبارزات آقای کرزی که بصورت آشکار مخالف قانون است، موجب اعتراضات شدید نامزدان دیگر و برخی گروه های سیاسی شده است.

اما شیوه های معمولی که در مبارزات انتخاباتی کشور های دیگر وجود دارد، تا هنوز در کشور ما دیده نمی شود، مهمترین موضوع مبارزات انتخاباتی متقاعد کردن مردم بر این است که فلان نامزد، مناسب ترین فرد برای انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهوری ویا عضو پارلمان میباشد، برای این کار نامزد انتخابات سعی میکند، بهترین برنامه ها را برای پیشرفت کشور و رفاه و سعادت مردم پشنهاد نماید و بهترین راه حلها را برای مشکلات ارائه کند،

اما دیده می شود نامزدان توجه چندانی به این موضوع ندارند. تا هنوز در پهلوی دها هزار عکس، یک ورق نوشته که برنامه ها و پیامهای نامزدان را تشریح کند در دیوار ها و جاده های شهر دیده نشده است. این موضوع حکایت از درک ضعیف نامزدان و تیم های کمپاین آنها دارد و نشان میدهد که آنها اهمیت پیام و برنامه در مبارزات انتخاباتی را دست کم گرفته اند.



کشور ما اکنون با بحران ها و مشکلات فراوانی روبرو است، رئیس جمهور آینده باید راه حلهای موثر برای حل این بحران ها ومشکلات ارائه نماید. مردم انتظار دارند که رئیس جمهور آینده چه راه کاری را برای بحران امنیت و ایجاد سیاست پشنهاد می کند، به چه صورتی حکومت افغانستان را که در فساد غرق شده است، اصلاح خواهد کرد، رئیس جمهور آینده برای کاهش فقر و بیکاری چه برنامه دارد و برای مشکلات ساختاری نظام و نقایص قانون اساسی و سایر قوانین چه میکانیزمی را پیشنهاد می کند.

در شرایط کنونی نشر و نصب عکس شاید بی اثر ترین وسیله مبارزه انتخاباتی باشد، دلیل آن این است که بسیاری از شخصیت های مطرح کنونی هیچ نوع محبوبیت و پذیرشی در میان مردم ندارند و به عنوان شخصیت های که فرصت ها را از دست دادند و هیچ دست آوردی نداشتند، شناخته می شوند، دیدن عکس های آنها جز افزایش نفرت و انزجار پی آمد دیگری ندارد.

پاره کردن و کندن عکس های این شخصیتها از دیوار ها اگرچه واکنش بجای نیست اما بخوبی نشان می دهد که در برابر صاحبان این عکس ها چه نفرت گسترده و جود دارد.

اگر منظور این شخصیتها از بخش گسترده عکس این باشد که مردم آنها را بشناسند، دو چار اشتباه شده اند ، چون برخی آنها مانند، رئیس جمهور کرزی، مارشال فهیم و خلیلی، سالهای طولانی است که عکسهای آنها از طریق تلویزیونها و رسانه های چاپی نشر می شود و تمام مردم حتی در روستاها نیز به چهره های آنها آشنای دارند و در شناخت شان اشتباه نمی کنند.

نامزدان باید بدانند که مردم دیگر اشتیاقی برای دیدن چشم و ابروی کسی ندارند، آنچه که مردم می خواهند این است که باید نامزدان توضیح بدهند که چگونه مشکلات کشور را حل می کنند و برای آینده بهتر آنها و فرزندانشان چه برنامه های را در نظر دارند.

انتخابات ریاست جمهوری ایران و نضج مردم سالاری

مصطفی حکیمی

انتخابات دورهٔ دهم ریاست جمهوری ایران از جهاتی زیاد با دورهٔ های پیشین و حتی انتخابات در بسیاری از کشورهای دارای دموکراسی های نهادینه شده وتاریخی متفاوت بود.
این انتخابات که در ۲۲ جوزا برگزار شد موج گستردهٔ مردم را به پای صندوق های رأی کشانید. بیش از ۸۵ درصد واجدان شرایط رای دهی دراین انتخابات شرکت کردند، سطح شرکت مردم در رأی دهی از همه دوره های پیشین درایران بیشتر بود در حالی در بسیاری از کشورهای که دارای دموکراسی های نهادینه شده و قدیمی مانند ایالات متحدهٔ امریکا و انگلیس و فرانسه و ... سطح شرکت مردم در انتخابات به ۲۵ تا ۳۰ در صد و یا کمتر از آن سقوط می کند.
این شرکت گستردهٔ مردم ایران در انتخابات و تظاهرات اعتراض آمیز آنان پس از اعلام نتایج آن بی تردید برنضج آگاهی سیاسی مردم ایران و نهادینه شدن دموکراسی اسلامی از یک سو و ثبات و صلابت نظام جمهوری اسلای از سوی دیگر دلالت می کند.
یکی از دلایل مهم شرکت گستردهٔ مردم دراین انتخابات رقابت شدید میان چهارتن از نامزدان ریاست جمهوری بود که همه از چهره های شاخص و از دولتمردان طراز اول پیشین نظام جمهوری اسلامی بودند. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور کنونی و یکی از چهره های شناخته درمیان کارگزاران نظام، میرحسین موسوی نخست وزیر پس از انقلاب، مهدی کروبی رئیس مجلس اسلامی و محسن رضایی فرمانده عمومی سپاه پاسداران انقلاب، همهٔ این شخصیت ها از نفوذ و رسوخی گسترده درمیان مردم برخوردارند.
اما مهم ترین دلیل حضور گستردهٔ مردم در این انتخابات حضور محمود احمدی نژاد و میرحسین موسوی خوانده می شود، چون هر یک از دو به نحله و طرز تفکری سیاسی ویژه در جامعهٔ ایران تعلق دارد. اصلاح طلبان و اصول گرایان احمدی نژاد را محافظه کار و میرحسین موسوی را اصلاح طلب می خوانند. هرچند رضایی وکروبی نیز به نوبه خود به اصول گرایان واصلاح طلبان مربوط می شوند.
اما رقابت اصلی میان احمدی نژاد و موسوی بود.



اصلاح طلبان و اصول گرایان دولتمردان و هوا داران نظام جمهوری اسلامی را به دو جریان بزرگ مقابل هم تقسیم کرده اند. آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع مصلحت نظام و سید محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین ایران در کنار موسوی قرارداشتند و ده ها شخصیت دیگر از احمدی نژاد حمایت کردند.
اصلاح طلبان و اصول گرایان در بسیاری از مسائل سیاسی واجتماعی دارای دیدگاه های متفاوت هستند، اصول گرایان هوادار حفظ ساختارهای کنونی و اصلاح طلبان هوادار یک سری تعدیلات در برخی از این ساختارند.
اما درکل همه طرفدار و هوادار نظام جمهوری اسلامی و رجال آن تلقی می شوند، در حالی که تقابل و رویارویی دو جناح اصلاح طلب و محافظه کار در این انتخابات به ویژه پس از اعلام نتایج آن دربرخی از انظارچنین می نماید که شاید این دو گروه هیچ پیوند و خویشاوندی باهم ندارند.
پس از اعلام نتایج انتخابات که احمدی نژاد در آن بیش از ۶۰ و موسوی ۳۵ در صد آراء را به دست آوردند. موسوی وکربی وهوادارانشان آن را غیر شفاف و تقلب آمیز خواندند و به دنبال آن موجی گسترده از تظاهرات که از سوی آنان تهران وبرخی از شهرهای دیگرایران را فراگرفت و این تظاهرات از روز یک شنبه گذشته تا پنجشنبه گذشته مدت پنج روز دوام کرد بیش از ده کشته و ۱۵۰ زخمی برجای نهاد.
دیروز مرشد اعلای جمهوری اسلامی آیت الله سید علی خامنه یی در خطبهٔ نماز جمعه در دانشگاه تهران به این مساله پرداخت و به گونهٔ مشروح تفاصیل آن را بیان کرد و از هر دوطرف خواست آرامش را حفظ کنند و مسائل را در نهاد های ذی ربط مورد بحث قرار دهند. آیت الله خامنه یی به نحوهٔ مبارزات انتخاباتی و مناظرات تلویزیونی کاندیداها اشارت و آن را در برخی از موارد قابل نقد توصیف کرد و خواهان توقف تظاهرات هواداران موسوی شد.
هر چند هواداران موسوی بر ادامه تظاهرات تأکید می کنند اما گمان نمی رود این کار تا بی ثبات کردن و تهدید نظام پیش رود، چون در گذشته ها هم چنین مواردی اصلاح طلبان نشان داده اند که تا مرز بی ثبات کردن نظام پیش نخواهند رفت، اما بی تردید این حوادث بر تحولات آتیهٔ ایران اثراتی مهم بر جای خواهد نهاد.